



محمد صابری

نویسنده و منتقد

ادبیات قرن نوزدهم در عصر طلایی ادبیات روس نام نهاده‌اند، ادبیاتی فاخر و فخم که با نیکلای گوگول، تورگنیف، تولستوی آغاز و با داستایوفسکی، گورکی و خخوف ادامه یافت. سیطرهٔ این بی همارودان عرصه قلم مرزها را درنوردید و دنیا را با جادوی سحرانگیز داستان‌های برآمده از یخ‌بندان‌های سن پترزبورگ تسخیر کرد. کمتر کسی را می‌توان به یاد آورد که از دورو نزدیک زبان به تحسین این دیوانگان شوریده هنرمند نگشوده باشد. با این همه و در برابر این صف آرای بی سترگ بودند بزرگانی چون هوگو، بالزاک، زولا و فلوربر در عروس پایتخت‌های اروپا– پاریس– که می‌نوشتند و به وام‌داری‌شان از اعجوبه‌های روس نیز اذعان داشتند. با فرونشست انقلاب‌های هر باری و هر جایی در گوشه و کنار قاره سبز فروخته در اختلافات عمیق طبقاتی و برده‌داری و انسان کشی‌ها و باز به قدرت رسیدن توتالیترسیم‌هایی مدرن‌تر – به قول بالزاک انقلاب استبداد می‌زاید و استبداد آزادی و آزادی هرج و مرج و در نهایت دوباره انقلاب و در این چرخه ناهمگون بشر هر بار که فکر می‌کرده دستاوردی داشته تنها چیزی را با چیزی جایه جاکرده‌است – پاریس با درس‌های بیستم‌گذار و دیگر کشورها نیز. اما این بار انکار عهدهی باخود بسته بود که با وجود هر انقلاب و جنگ و جنون و وحشتی این سیطره بی حد و مرز را از هم پیمان روسی‌اش بارستاند که ستاند. قرن بیستم و به خصوص نیمه درخشان اول آن با مارسل پروست، رومن رولان، سلین، موریاک، سارتر و کامو ده‌ه‌ان دیگر از نام‌آوران چنان غوغایی‌فکندند که جهانی را به حیرت فروبردند. بیشتر نویل‌ها را بودند و هر آن چیزی را که می‌شد بر آن نام ادبیات‌گذار، به زیباترین و ژرف‌ترین و شگرف‌ترین حالت ممکن بر روی کاغذهای نیم سوخته نقاشی کردند. ادبیات فرانسه با این همه به این همه قانع نبود، مهد مکتب‌های ادبی دنیا و پیشرو در نقاشی، فلسفه، تاریخ و هزار و یک هنر باید در شعر و شاعری نیز آقایی کند که در آن، در بودا گرکنام در نیمه دوم قرن نوزدهم آغاز شد و قرن بیستم زایید و زایید و زایید و شد مهد شعر بزرگانی چون فورنیه، بونوم، بونوئل و... در این میان بلژیک و سوئیس دو کشور کمتر آسیب دیده از جنگ اول و دوم و دوم پیمان در کنار این نام‌آوران هموایی و هم‌زبانی بودند و نوشتند و سرودند تا ادبیات به به نغم زنده یاد یوسای بزرگ بتواند برای این پرشش همیشگی، یعنی جزادبیات؟! پاسخی درخورد داشته باشد.

◀ **تلاش شبایسته**

سه فرهنگ یک زبان با مروری بر برجسته‌ترین‌های شعر فرانسه، بلژیک و سوئیس، با گنجینه‌ی از تـرین‌های شعر هر سه کشور صاحب تمدن و فرهنگ تلاشی ست بایسته و شبایسته در معرفی شعر و شاعران این سه فرهنگ که به یک زبان حرف می‌زنند و در عین حال به دل‌های هم نیز راه می‌یـوند. در برشی از این مجموعه و از فورنیه می‌خوانیم: «انگار سنگ‌ها خود به خود بیدار می‌شوند/ انکار از دل خاک سـر بر می‌آورند/... / نه! / آن‌ها از جایی دورتر از آن جا می‌آیند/ آن‌ها از درون من/ از فاصله‌ای بسیار دورتر می‌آیند.» جهان پر رمز و راز درون شاعر، همان جایی ست که اشعار و مگاشقه‌شرفی آغاز می‌شود، جایی دور از دسترس حتی خود شاعر، که با کمک علم سنگ‌تراشی، در جست‌وجوی العاسی ست نهفته در اعماق درون، اعماقی کهن و رازآلود، عمق جان انسانی. در فرازی دیگر از این مجموعه شعری می‌خوانیم: «روسی از زمین/ چاقویی وجود دارد که همیشه در حرکت است. / در تاریکی و روشنایی جست و جو می‌کند...

بی‌تردید و از منظر سیاساخت گرایانکه محتوا و مضمون در شعر بر هر چیز دیگری ارجح می‌دانند، می‌دلیل و برهان و منطق بودن زندگی در این جا با ضرابهنگ فوارهای سطرهای پیشین و رقص موزون باد و طبیعت روستا با یک اتاق بزرگ و اتفاقا و در این جا با دلیل! مخاطب با بی‌دلیلی زندگی آشنا می‌شود. آن پیروی دیگر شاعر سوئیس حاضر در مجموعه، عاشقانه‌ی می‌سراید که لرزه بر تمامی سکوت‌های عاشقانه‌ی دنیا می‌اندازد، پیر می‌نویسد: «حالا که گل سرخ و جیرجیرک تو را هرگز نداند/ حالاکه آسمان در لرزش فراموشی، تو را می‌برد/ به کدام دور دست‌ها، به کدام دریاها/ به کدام سکوت/ که من دیگر نمی‌توانم بشنوم/ من ساقه‌ای لرنزآم/ بین دو جهان/ با این اندک/ نبرویم/ که برایم مانده/ بر ریشه‌هایم چنگ می‌اندازم. شاعر برای رهیفات‌های درونی‌اش به جهان بیرونی چنگ می‌اندازد و به هر روزانه‌ای، شکافی متوسل می‌شود برای آن تویی که در نغم خود تنها و به تنهایی سهم اوست. از دیگر شاعران حاضر در این مجموعه‌ی سه فرهنگی و هم‌زبان، فیلیپ ژاکوته، شاعر، مترجم و مقاله‌نویس سوئیسی است: «من با پلیدی مبارزه‌ای نمی‌کنم؛ تنها کار می‌کنم. / گاهی، در میان کار/، سرم را بالا می‌آورم و ماه را می‌بینم که پیش از سپیده‌دم می‌درخشد/ در این زمستان سرد، چه چیز دیگری چنین درخششی دارد؟... شاعر با چیدن بارودکس‌های عجیب و واقعی به دنبال کشف جهان هستی و چیستی و نیستی ست، جهانی ماورایی آن سوی حصار خود خواستن‌ها که به دوست داشتن‌های حقیقی منجر می‌شود. سه فرهنگ یک زبان را در نگاهی جهانشمول‌تر می‌توان، چرخش سرگیجه‌آور و منظم و ازگانی دانست که به دنبال کشف حقیقت‌اند، حقیقتی فراتر از ادراک انسانی، شادکامی‌های درونی ذهن‌اندکی شاعر که شاعرانه‌ترین زیست‌های‌شان با گره

تخیل یافته‌اند و ما را به جهانی ایرانیسای رهنمون می‌شوند. سه فرهنگ، یک زبان را سعيده سید کابلی با ترجمه‌ای دقیق و موجز و شاعرانه با نثر روانه روانه‌ی بازار نشر کرده که در نمایشگاه کتاب اسمال رونمایی خواهد شد.



بی‌پرده، بی‌تعارف!



آرمان ملی – هادی حسینی نژاد: دولت باعاملیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همه ساله با صرف هزینه‌های کلان از بودجه ملی فرهنگی کشور، بساط بازاری را می‌گستراند که در آن تولیدکنندگان (ناشران) با بهره‌مندی از انواع و اقسام تعرفه‌های حمایتی، به فروش مستقیم کتاب بپردازند. در شرایطی که هزینه‌های نمایشگاه سال قبل ۲۲۶ میلیارد تومان برآورد شده و تنها ۱۶ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان از آن هزینه سرو غذا بین کارکنان بوده، سوال این است که چطور و چرا کسی به فکر تأثیرات فروش مستقیم و بی‌قاعده و ضابطه کتاب در این فروشگاه چندده‌هزار مترمربعی نیست؟ آن هم وقتی سیاست‌های حمایتی متقابل از کتابفروشان نتوانسته نقش چندانی در حمایت و تقویت این حلقه مهم در چرخه نشر داشته باشد که نمود روشن آن را می‌توان به رخت‌بربستن کتابفروشی‌ها از محله‌ها و معابر مختلف شهر و تقلیل رفتن در یک یا چند راسته‌ی محدود اشاره کرد.

نیایشگاه کتاب تهران، امروز (چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت) برای سی‌وششمین بار درهایش را به روی علاقه‌مندان به کتاب و اهالی نشر باز کرده است؛ رویدادی که می‌توان آن را به آغایزه‌کار بزرگ‌ترین بازار سالانه‌ی کتاب در کشور و حتی منطقه توصیف کرد. البته در وصف اهمیت و تأثیرگذاری این رویداد می‌توان روی ویژگی‌های مختلفی انگشت گذاشت اما «خرده» فروشی «مستقیم» کتاب توسط «تولیدکنندگان» یعنی ناشران با اعمال ماهیتی این نمایشگاه به شمار می‌آید. حالا اگر بخواهیم رابطه‌ی این کلیدواژه‌ها را در عمل به شکلی ساده تشریح کنیم، به این شرح عملکرد می‌رسیم که ناشران با حمایت‌های چشمگیر دولتی این فرصت را در نمایشگاه کتاب تهران پیدا می‌کنند تا با حذف حلقه‌های توزیع و فروش و معاف شدن از پرداخت هزینه‌های مربوطه به آن که متدالوا ۴۰ درصد از رقم پشت جلد کتاب را شامل می‌شود) را سا گرفته فروش دایر کنند و از خریدهای حمایت‌شده (از طریق توزیع بن) اقشار مختلف مشتریان و با اعمال تخفیف مصوب ۱۰ درصدی نمایشگاه، به سود و نقدینگی قابل توجهی دست یابند. این اهمیتی تا حدی ست که قریب به اتفاق ناشران در تعیین برنامه ریزی تولید و گردش مالی سالانه، روی نمایشگاه کتاب تهران حساب می‌کنند و اقتصاد تعداد قابل توجهی از آن‌ها، اساسا با فروش نمایشگاهی تأمین می‌شود. با این اوصاف، بررسی کارکرد، تأثیرات مثبت و منفی، و همچنین آسیب‌شناسی این رویداد، می‌تواند در شاخه‌های مختلفی طرح و مورد پژوهش قرار داد؛ مثلا بررسی تأثیرات تداوم ۳۶ ساله‌ی برپایی نمایشگاه بر رفتار، نظم، کیفیت و کمیت خرید کتاب نزد مخاطبان ... اما یکی از موضوعات قدیمی و مطرح در این زمینه به تأثیرات صنفی و صورت‌بندی مارکت کتاب در ایران برمی‌گردد. به بیان ساده‌تر فروش مستقیم و حمایت‌ناشران با حذف شبکه‌های توزیع و فروش، چه تأثیراتی را بر شکل بازار، نسبت حلقه‌ها با یکدیگر و در نهایت، اهداف توسعه‌ای آن داشته است و خواهد داشت؟ با این مقدمه و از زوایای مختلف در این گزارش به این موضوع می‌پردازیم.

◀ **فروش مستقیم ناشران خارجی؟**

به شکل کلی، معمولاً نمی‌توان تولیدکننده را به شکل مطلق، از فروش مستقیم باز داشت؛ مگر در مواردی که الزامات قانونی مشخصی توسط قانونگذار و مجریان قانون طرح و اعمال شود، نظیر بازار محصولات دارویی که تولیدکنندگان نمی‌توانند مستقیما به توزیع و فروش محصولات خود بپردازند. علی‌اِحال ناشران کتاب مشمول چنین الزامی نیستند و می‌توانند فروش مستقیم داشته باشند. اتفاقا در کشورهای توسعه‌یافته (و در حال توسعه‌ی دیگر) نیز چنین حقی از ناشران دریغ نشده و آن‌ها به چنین عملی مختارند و به عبارت دیگر فروش مستقیم کتاب توسط ناشر نه تنها در جهان پذیرفته‌شده است، بلکه به عنوان بخشی از تحول مدل کسب‌وکار در صنعت نشر شناخته می‌شود. در این صورت سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران نشر در این کشورها، چطور مانع از بروز آسیب‌های صنفی به کتاب‌فروشی‌ها می‌شوند؟ به هر حال فروش مستقیم توسط ناشر اگر بی‌برنامه یا رقابت‌گرایانه انجام شود، می‌تواند به اقتصاد کتاب‌فروشی‌ها و شبکه توزیع آسیب بزند اما در کشورهای توسعه‌یافته، معمولاً با سیاست‌گذاری هوشمند و همکاری بین ذی‌نفعان، این چالش مدیریت می‌شود که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

◀ **چند اهرکار برای کنترل آسیب‌ها**

قیمت‌گذاری یکسان (Price Parity): در بسیاری از کشورها (مثل آلمان با قانون قیمت ثابت کتاب)، ناشر و کتاب‌فروشی موظف‌اند کتاب را به یک قیمت بفروشند. این از رقابت مخرب جلوگیری می‌کند.
تقسیم نقش: ناشر ممکن است فروش مستقیم را محدود به نسخه‌های خاص، اضمأ‌شده، یا سفارشی‌کند، تا نسخه اصلی همچنان از کانال‌های عادی توزیع شود.
همکاری با کتاب‌فروشی‌ها: در فروش مستقیم؛ برخی ناشران درصدی از فروش مستقیم را به کتاب‌فروشی‌های مستقل می‌دهند، یا آن‌ها را در سیستم فروش آنلاین شریک می‌کنند.
باز طریق پلنفرم‌های مشترک: فروش مستقیم را به صورت مشارکتی انجام می‌دهند.
مشخصا چند کشور توسعه‌یافته قوانین مشخص و مؤثری دارند که از حقوق کتاب‌فروشی‌ها در برابر آسیب‌های احتمالی ناشی از فروش مستقیم یا تخفیف‌های افراطی ناشران (و پلنفرم‌های بزرگ مانند آمازون) محافظت می‌کنند. این قوانین عمدتا در قالب قانون قیمت ثابت کتاب و سایر مقررات حمایتی اعمال می‌شوند. در ادامه، چند نمونه مهم را به شکل مختصر مرور می‌کنیم.

◀ **لطمه به کتاب‌فروشی‌ها**

رقابت قیمتی: اگر ناشر کتاب را ارزان‌تر از کتاب‌فروشی بفروشد، مشتریان ترجیح می‌دهند مستقیم از ناشر بخرند.
انحصار در عرضه برخی عناوین: وقتی ناشر کتاب‌های خاص را فقط از طریق خودش عرضه کند، کتاب‌فروشی‌ها از رقابت کنار گذاشته می‌شوند.
تضعیف شبکه توزیع: حذف پخش‌کنندگان می‌تواند باعث کاهش گردش مالی در زنجیره تأمین کتاب شود.

◀ **فواید فروش مستقیم**

- حاشیه سود بالاتر: حذف واسطه‌ها باعث افزایش درآمد ناشر می‌شود.
- داده‌های مشتری: ناشر مستقیما به اطلاعات و رفتار خرید مخاطبان دست پیدا می‌کند.
- کنترل تجربه خرید: ناشر می‌تواند نحوه ارائه، بسته‌بندی، و حتی خدمات پس از فروش را مدیریت کند.
- ساختن برند مستقیم با مخاطب: به ویژه برای ناشران مستقل یا تخصصی، ارتباط مستقیم با مخاطب ارزشمند است.

حضور ناشران در این رویداد، علاوه بر بند اول در موارد فوق که همانا رسیدن به حاشیه سود بالاتر با حذف واسطه‌ها، یعنی شبکه‌های توزیع و کتاب‌فروشی‌ها است. فواید دیگری نیز می‌تواند برای آن‌ها به همراه آورد اما مساله اینجاست که برای دستیابی به موارد سه تا چهار، نیازی به فروش مستقیم نیست؛ یعنی ناشران می‌توانند چه‌سده در نمایشگاهی که نه برای فروش مستقیم؛ که با اهداف تخصصی متداول در نمایشگاه‌های جهان برگزار می‌شود به سطح بالاتری از این فواید دست پیدا کنند. به همین خاطر است که در ادوار مختلف برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، همیشه کارشناسان و منتقدانی بوده‌اند که بر

نگاهی به دو مجموعه شعر از «محسن حسینیخانی»

نغمه‌هایی برای تحمل جهان



آنریلا عطایی

شاعر و منتقد ادبی

این یادداشت نگاهی ست به دو مجموعه شعر «یورت‌مه در دشت دلتنگی» و «کوه صدام را پس نمی‌دهد»، سروده «محسن حسینیخانی» که به فاصله ۲ سال در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۲ توسط انتشارات مروارید به چاپ رسیده‌اند. هر دو کتاب دو فصل دارند و نحوه چپشش شعرها در فصل‌ها یکی ست. فصل اول، مجموعه‌ای ست از شعرهای اجتماعی و فصل دوم ترکیبی از شعرهای عاشقانه. تفاوت چندانی بین شعرهای دو مجموعه نیست، چه بسا می‌شد همه را در یک کتاب آورد. شعرها ساده و یکدست هستند، روایت مجور و کوتاه‌اند و مهم‌ترین عنصر



در ادوار مختلف برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، همیشه کارشناسان و منتقدانی بوده‌اند که بر ضرورت حذف وجه فروشگاهی این رویداد و تقویت

خواص و استانداردهای نمایشگاهی آن تأکید کرده‌اند

مستقل سهم بالایی از بازار دارند.

◀ **زاین: سیستم فروش ویژه**

در کشور زاین که به لحاظ فرهنگی مشابهت‌هایی با ایران نیز دارد، سیستم سنتی و قراردادهای خاص بین ناشر و کتاب‌فروش وجود دارد که عملاً نوعی قیمت‌گذاری کنترل‌شده را اعمال می‌کند. در واقع اقدامات ناشران در حوزه فروش مستقیم، با نظارت و کنترل متقابل چک می‌شود و تناسب آن با عقد قراردادهای خاص، رعایت می‌شود که نتیجه آن، حفظ تعادل میان ناشر، توزیع‌کننده و کتاب‌فروش است.

◀ **کره جنوبی: قیمت‌گذاری محدود**

در دیگر کشور توسعه‌یافته هم قاره‌ای‌مان نیز شرایط، کنترل‌شده پیش می‌رود؛ به طوری که ناشران تنها به اعمال درصد مشخصی از تخفیف و آن هم مطلقا برای کتاب‌های جدید (حداکثر ۱۵٪) مجازند و سایر عناوین را نباید ارزان‌تر از کتاب‌فروشی‌ها به فروش برسانند. این قانون حتی برای پلنفرم‌هایی مثل Kyobo یا Naver که در این کشور نیز اعمال می‌شود و هدف آن حمایت از کتاب‌فروشی‌های مستقل و جلوگیری از سلطه پلنفرم‌های آنلاین است.

◀ **نروژ: توافق نامه کتاب**

در نروژ اما الزامات مشابه‌ای مواجهیم. در این کشور توافق بین ناشران، کتاب‌فروشان، و دولت وجود دارد که مطابق با آن همه ملزم به رعایت قیمت‌های یکسان، عرضه عادلانه، و حمایت از کتاب‌فروشی‌ها هستند و از نکته جالب آنکه دولت نروژ به شکل مستقیم از فروشگاه‌های کتاب در مناطق کم‌جمعیت حمایت می‌کند. چنانچه مشخص است، فلسفه پشت این قوانین در همه کشورها، حفظ تنوع فرهنگی، عدالت در دسترسی، و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک است. در واقع آن‌ها نه صرفا کنترل قیمت کتاب نیستند؛ بلکه به دنبال ایجاد و حفظ یک بازار منظم با شرط توسعه‌پذیری متوازن و همه‌جانبه‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که تنها در سایه‌ی چنین تدابیری می‌توان مانع از داخل صنفی و تضییع حقوق صنفی در برابر صف دیگر شد و این مساله به این دلیل مهم است که توسعه صنعت نشر، منوط به توسعه‌ی تمام حلقه‌های صنفی آن است. حالا سوال ما این است که چنین نظارت‌ها، الزامات، تدابیر و نتیجتا توازن بر صنعت نشر، بازار کتاب و حلقه‌های مختلف آن جاری و ساری است؟ مسلما خیر! و برپایی نمایشگاه کتاب تهران با تفسیر یاد شده که مشخصا با حقوق کتاب‌فروشان (و حتی توزیع‌کنندگان) در تضاد است، گواه روشنی بر این مدعاست.

◀ **رخ به رخ با نمایشگاه کتاب**

واقعیت این است که بازار کتاب در ایران سال‌هاست با چالش‌های ساختاری و اقتصادی جدی مواجه بوده و هست؛ از جمله رشد بی‌رویه‌ی ناشران، کاهش کتاب‌فروشی‌ها، نبود نظام توزیع کارآمد و رقابت نابرابر ناشران با کتاب‌فروشی‌ها از طریق فروش مستقیم یا تخفیف‌های سنگین. جالب است که تعیین میزان تخفیف در نمایشگاه کتاب تهران، عموما در سطح حداقلی (۱۰ درصد) الزام‌آور است و در برخی دوره‌ها دیده شده که ناشران (غرفه‌داران) به عرضه تخفیف‌های ۲۰، ۳۰، ۴۰ و حتی ۵۰ درصدی نیز مبادرت داشته‌اند. در این شرایط، چه کسی مسئول وضعیت اقتصادی کتاب‌فروشی‌هاست؟ چرا با گذشت این همه سال، هنوز نمی‌توان به ضرس قاطع گفت

پرهیز باید در شعر اجرا شود و نباید به از هم گسیختگی دستور زبان منجرشده و شعر را زخمی کند. مثلا در شعر ۱۶ صفحه ۲۷ از همین دفتر که آن را با هم می‌خوانیم، فعل «می‌چرخد» به جای انتهای سطر در میانه آن آورده شده و به شعر آسیب زده است: «بازی شروع می‌شود/ خورشید/ خون‌های ریخته را/ به آسمان می‌برد/ پارچه‌ای سرخ/ دست خدا می‌رسد/ و زمین می‌چرخد روی شاخ گاوی.» شاید به نظر برسد نقش یک کلمه در پیکریک شعر بسیار ناچیز است اما واقعیت چیز دیگری ست. شاعر باید بهترین کلمات را آنهم با زیباترین حروفی که به شعر می‌نشیند انتخاب کند. هرچند که بعضی منتقدین در چنین مواردی نقش اختیارات شاعرانه را ذکر می‌کنند، منتهی‌ای را در شعر ۱۴ از همین دفتر می‌خوانیم: «قناری در قفس خواند/ درخت صدایش را به یاد سپرد/ سال‌ها بعد/ درخت تاری شده بود/ در تصنیف مرغ سحر.» «درخت صدایش را به باد سپرد» می‌توانست گزینه بهتری برای سطر دوم این شعر باشد. «بروانه‌های سفید» عنوان فصل دوم از کتاب اول است. شعرهای عاشقانه کوتاه‌ای دارد و عنصر خیال در آن پررنگ‌تر از دفتر اول است و باعث‌شده لحظات عاشقانه زیبایی در شعرها خلق شود. یکی از شعرهای موفق این دفتر را در صفحه ۴۷ می‌خوانیم: «نه کالسکه جادویی در کار است/ نه من قصری نقره‌ای دارم/ نه تو آن قدرها خوب می‌رقصی/ اما یک چیز این وسط با آن قصه قدیمی می‌خواند/ دوستم داری/ و هیچ زنی نمی‌تواند یاد رکشت کند.»

تعداد کتاب‌فروشی‌ها در کل کشور حتی به عدد ۱۰۰۰ می‌رسد؟ بگذراید بار دیگر مروری داشته باشیم بر آنچه در نمایشگاه کتاب تهران رخ می‌دهد و این بار از زاویه‌ای تازه‌ای به آن بنگریم. دولت (با عاملیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) همه ساله با صرف هزینه‌های کلان از بودجه‌ی ملی فرهنگی کشور، بساط بازاری را می‌گستراند که در آن تولیدکنندگان با بهره‌مندی از انواع و اقسام تعرفه‌های حمایتی، به فروش بی‌قاعده و مستقیم کتاب بپردازند. اینکه در این شرایط، حضور در نمایشگاه و بهره‌مندی از فرصت فروش چندر برای ناشران مهم است و برای رسیدن به آن بعضضا تخلف‌ها، کتابسازی‌ها و سرقت‌های ادبی که اتفاق نمی‌افتد بماند.

متأسفانه برگزاری نمایشگاه کتاب تهرانکه همه ساله هزینه‌های هنگفتی را از محل بودجه فرهنگی کشور به بار می‌آورد، این واقعیت، تکان دهنده است که مطابق با گزارش‌های انتشاریافته، مجموع هزینه‌های نمایشگاه سی و پنجم که در سال قبل یعنی ۱۴۰۳ برپا شد) ۲۲۶ میلیارد تومان برآورد شده و تنها هزینه سرو غذا بین کارکنان آن ۱۶ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان بوده است، به یک تکلیف دولتی تبدیل شده و در عمل هیچ داریت و رویکرد اصلاحی قابل توجهی نیز در فرایند برگزاری آن دیده نمی‌شود. ناگفته پیداست که سیاست‌های حمایتی متقابل از کتابفروشان نیز نتوانسته نقش چندانی در حمایت و تقویت این حلقه‌ی مهم در چرخه‌ی نشر داشته باشد که نمود روشن آن را می‌توان به رخت‌بربستن کتابفروشی‌ها از محله‌ها و معابر مختلف شهر و تقلیل رفتن در یک یا چند راسته‌ی محدود اشاره کرد. نکته قابل توجه اینکه مجریان نمایشگاه کتاب تهران معمولاً با توجهیهاتی از تداوم برگزاری این رویداد با همین مختصات دفاع می‌کنند که در واقع نتیجه‌ی رشد و توسعه کتاب‌فروشی‌ها در سراسر کشور است؛ نتایجی چون عدالت فرهنگی، دسترسی آسان به کتاب، ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی، ارتقاء فرهنگ عمومی در جامعه و...

◀ **سخنی با ناشران موافق**

صرف نظر از واحدهای نشری که مشخصا به دنبال کسب درآمد از بازار کتاب‌اند و به وجوه فرهنگی آن قائل نیستند، ناشران شریفی و باسابقه‌ای در نمایشگاه کتاب تهران غرفه‌داری می‌کنند. خیلی‌ها شخصا قبل و در حین برگزاری، آستین همت بالا می‌زنند، کاریدی می‌کنند، پای میز فروش می‌ایستند و... از میان آن‌ها، بخشی حضور در نمایشگاه را در شرایط فعلی، امری ناگزیر و شرط بقا می‌دانند و عده محدودی هم با رد تأثیرات منفی نمایشگاه بر چرخه نشر، اتفاقا به تاثیرگذاری مثبت آن تأکید دارند. با این وجود باید قبول کرد که شرایط در بازار کتاب می‌تواند از چیزی که هست بهتر باشد. باید قبول کرد که اگر شبکه‌های توزیع و فروش کتاب (از کتاب‌فروشی‌های فیزیکی گرفته تا فروشگاه‌های اینترنتی) در سایه‌ی حمایت و توجه، وضعیت مناسب و امیده‌آلی داشتند، امروز قرار نبود ناش-۵۰-۶۰ ساله دشت‌دلتنگی و کوه صدام را پس نمی‌دهد، تن به گرد و غبار جابه‌جایی‌ها، قفسه‌سازی‌ها، چک و چانه زدن با مشتریان بر سر قیمت کتاب و امثالهم بدهد. باید قبول کرد که دست‌کم یکی از عوامل نیازمندی ناشران به نقدینگی و فروش نمایشگاهی، خود نمایشگاه است. به قول زنده‌یاد حسین منزوی: چه سرنوشت غم‌انگیزی، که کرم کوچک ابریشم/ تمام عمر قفس می‌بافت، ولی به فکر پریدن بود. در نهایت می‌توان گفت واقعیت غیرقابل انکار این است، قانع بودن به شرایط موجود و برخورداری از حداقل مزایایی که می‌تواند به همراه داشته باشد...



در کتاب دوم شعرها همچنان عنوان ندارند و نیز شبیه اغلب مجموعه شعرهای معاصر خبری از سجاوندی در شعرها نیست. این کتاب ادامه‌ای برای مجموعه قبلی ست و البته تخیل و تصاویر بدیع بیشتری در آن به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد این شعرهای کوتاه نقطه غزیمتی ست برای شاعر، افزایش دایره واژگانی در شعرها، مراعات غیرقابل انکار این است، قانع بودن به شرایط نیز جسارت برای خلق فرم و ساختار جدید در شعرالزاماتی برای کتاب‌های بعدی این شاعر است.